

بررسی سقط جنین در فقه شیعه با محوریت آراء امام خمینی

جواد غلامی^۱، حمید رضانیا^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران
^۲ دانشیار جامعه المصطفی، عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

نویسنده مسئول:

جواد غلامی



چکیده

هدف این پژوهش بررسی واژه سقط جنین در فقه شیعه با تاکید بر آراء امام خمینی و تبیین دیدگاه وی در زمینه سقط جنین می باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد و برای جمع آوری اطلاعات از رویکرد اسنادی استفاده شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که سقط جنین در فقه شیعه قابل قبول نبوده لکن در گذر زمان و با توجه به مقتضیات زمان و همچنین شرایط حاکم بر جوامع دچار تغییرات اندکی در نظر مراجع تقلید شده است. همچنین مشاهده شد در دین مبین اسلام حیات موهبت الهی است و از حقوق اساسی انسان محسوب می شود. از نظر اخلاقی سقط بچه ای که روح در آن دمیده شده است در دیدگاه امام خمینی و فقه شیعه بسیار ناپسند است و قتل عمد محسوب می شود اگر به درخواست و اجازه پزشک نباشد.

کلمات کلیدی: سقط جنین، آزادی نسبی سقط جنین، حکم تکلیفی در سقط جنین، دیه جنین ساقط شده.

۱- مقدمه

دین مبین اسلام برای انسان اهمیت و ارزش فراوانی قائل است و جایگاه حقوق والای او در شریعت و قوانین و احکام شرعی که در قرآن و احادیث آمده، تصریح و تثبیت شده است. با توجه به اهمیت و نقش منحصر به فرد انسان در نظام آفرینش، آغاز و فرجام زندگی او، همواره مورد مطالعه اندیشمندان و ادیان که به ادوار زندگی انسان شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم مرتبط با جنین شناسی الهی بوده است و رشد انسان قبل از ولادت می‌پردازد و آگاهی‌های لازم در این خصوص را در اختیار انسان قرار می‌دهد، از عهد یونان باستان و زمان رواقیون به طور جدی مطرح بوده است سقط جنین نیز به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و درمانی، از دیرباز در اکثر جوامع و ملل مرسوم بوده است و بخصوص نوع اجتماعی آن در قرن اخیر، در جوامعی که از حیث اقتصادی و صنعتی پیش رفته اند، هرچه بیشتر فزونی یافته و کماکان در حال افزایش است.

سقط جنین از معضلات کنونی جوامع بشری است و افزایش سرسام آور آن، معلول لجام گسیختگی و آشفتگی‌های روحی است که چهره‌ی جوامع توسعه یافته را که از بنیان و زیربنای عقیدتی و با اخلاقی قابل ذکری برخوردار نیستند، می‌آلاید. در شرع اسلام حیات جنین از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل شدن آن به علقه، مضغه و غیره حمایت شده و احکام ویژه‌ای برای سقط در هر یک از مراحل جنین بیان گردیده است به طوری که مطابق دیدگاه فقها حتی از بین بردن نطفه که آغاز و منشأ خلقت انسان است، حرام و دیه آن بیست دینار است. هم‌چنین در متون فقهی با استفاده از آیات دوران جنینی به دوران قبل از ولوج روح و پس از ولوج روح تقسیم شده و نظرات مختلفی درباره سقط جنین در هر یک از مراحل بیان گردیده است. به طور کلی از منظر فقه‌های شیعی سقط جنین حرام و مطابق قانون مجازات اسلامی دارای مجازات می‌باشد. اکثریت فقه‌های شیعی، آزادی سقط جنین را فقط در مورد جنین‌های ناسالم و ناقص الخلقه و در موارد بسیار ضروری درمانی مجاز می‌شمارند و عده‌ای از فقه‌های شیعی سقط جنین های ناشی از روابط نامشروع را مجاز می‌دانند و آن را تحت شرایط مختلف با در نظر گرفتن مجازات های اسلامی و پرداخت دیه برای مراحل قبل و بعد از حلول روح در جنین به صورت متفاوت می‌پذیرند.

آن گونه که حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی تبیین فرموده‌اند، روایات متواتر شیعی است که دلالت بر وجوب پرداخت دیه برای سقط جنین می‌کند. نتیجه‌ی این روایات، اجماع فقه‌های تشیع، به وجوب پرداخت دیه، برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر جنین است. از بررسی نظرات فقاه شیعی می‌توان نتیجه گرفت که حرمت سقط جنین قبل از ولوج روح در آن، مستند به فقدان دلیل عقلایی برای سقط و عدم رضایت هر دو پدر و مادر و یا یکی از آنهاست. هم‌چنین از نظر فقه شیعی، سقط جنین برای حفظ سلامتی جسمی و روانی مادر، قبل از دمیده شدن روح، تنها به استناد قاعده‌ی نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر، در صورتی که بقای جنین مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمل برای مادر باشد و زنده نگه داشتن جنین در خارج رحم نیز میسر نباشد، امکان پذیر است و بعد از دمیده شدن روح، به دلیل اینکه این دو قاعده از قواعد در حق تمامی مکلفین است، نمی‌تواند به نفع مادر و ضرر جنین مورد استناد قرار گیرد. بنابراین سقط جنین برای حفظ سلامتی مادر، اصولاً مجاز نیست و به عنوان ثانوی، تنها در صورت حرج و ضرورت، آن هم تا قبل از دمیده شدن روح، جایز خواهد بود.

در صورتی که قطعاً جنین ناقص الخلقه باشد، اکثریت فقه‌های معاصر شیعی، آن را مجوز سقط جنین نمی‌دانند. امام در تحریرالوسیله موضوع سقط جنین را بطور کامل بیان فرموده‌اند که ذکر آن مفید اگر تشخیص داده شود که جنین در صورت رشد و تولد، ناقص العضو یا ناقص الخلقه خواهد بود، نمی‌توان آن را از بین برد و اقدام به سقط آن نمود که در صورت سقط کردن، باید سقط کننده دیه بپردازد: اگر زن باردار، کاری کند که موجب سقط جنین شود، باید دیه بپردازد و خود او سهمی از این دیه، بعنوان ارث نمی‌برد؛ اگر جنین سقط شده توسط مادر و یا دیگری، متعدد باشد؛ یعنی دوقلو یا بیشتر باشد، به همان تعداد باید دیه پرداخت شود و مانند آن است که از زن‌های متعدد این جنین‌ها سقط شده باشد و هیچ فرقی ندارد. دیه صدمات وارده بر اعضای جنین و یا جراحات وارده بر سر و بدن او، به نسبت دیه‌ی خود جنین در آن حال است، یعنی اگر روح دمیده، مثل دیه انسان کامل و اگر روح در آن دمیده باشد، به نسبت صد دینار طلا حساب می‌شود. از نتایج این بررسی روشن شدن این مسئله از منظر فقه شیعی است که اسقاط جنین در صورتی که قتل به شمار می‌آید که پس از تعلق روح به آن باشد، اما قبل از تعلق روح، عنوان قتل بر آن، به معنای قتل نفس محرمه یا نفس انسانی نیست و سقط جنین، قبل از تعلق روح به آن یا به عبارتی، قبل از مرحله‌ی انشاء خلق آخر، به اعتبار قتل نفس محرمه، حرام نیست. از این رو در پژوهش حاضر محقق با توجه به علاقه مندی به موضوع و مطالعات انجام داده درصدد بررسی ابعاد فقهی اخلاقی سقط جنین در فقه شیعه با تاکید بر آراء امام خمینی برآمده است. لذا در ابتدا به بررسی مبانی نظری پرداخته و در ادامه به بررسی دیدگاه مذکور خواهیم پرداخت.

۲- مفاهیم و مبانی نظری پژوهش**۲-۱- مفهوم «سقط»**

ابن فارس در تعریف سقط می‌گوید: «سقط به معنای افتادن است و معنای شایعی که از آن اراده می‌شود، افتادن چیزی است» و نیز می‌گوید: «سقط به معنای افتادن بچه قبل از کامل شدن می‌باشد» [۱، ۲].

۲-۲- مفهوم واژه «جنین»

واژه‌های «حمل» عربی و جمع آن «أحمال» و «حمال» می‌باشد؛ «... و أولات الأحمال أجلهن أن یضعن حملهن...» (سوره مبارکه طلاق/ آیه ۴)، و در کتاب الموسوعة الفقهية آمده است: «الحمل یطلق علی ما رفع بالید أو علی الظهر من المتاع و ما تحمله الأنثی فی رحمها من الجنین». اما این عبارت مناقشه است؛ زیرا آنچه را که با دست یا به پشت حمل می‌کنند؛ حمل می‌گویند و حال آنکه اطلاق جنین بر آن اصلاقی خاص بر عام خواهد بود و خالی از اشکال نمی‌باشد و عکس آن اطلاق عام بر خاص خواهد بود که متداول تر و دارای اشکال کمتر است یعنی اطلاق حمل بر جنین [۳].

راغب می‌گوید: «حمل یک معنی دارد و در موارد و چیزهای زیادی به کار می‌رود» زیرا برداشتن چیزی با دست و یا به دوش گرفتن آن و همچنین حمله جنین، همه‌ی این‌ها در یک معنی استعمال شده است. البته واژه‌ی «حَبَل» (به فتح باء) به معنی حمل آمده است و به زن حامله، «حَبَلی» گویند، چنانچه در روایات بسیاری از حامل به «حَبَلی» تعبیر شده است [۴]. جنین در اصل یک انسان است، یک فرد انسانی نسبتاً اما نه کاملاً واقعی. اما، جنین همچنین جنینی تام و تمام است، که از نظر معیارهای متناسب به طور کامل رضایت‌بخش است. در حالی که بررسی یک ساختار زیست‌شناختی تام و تمام از ابتدای ایجاد به بعد (کار) درستی است [۵].

واژه‌ی جنین نیز از «جن» گرفته شده است. در مفردات راغب آمده است: «اصل الجن سر الشیء عن الحاسه». به قلب جنان گفته می‌شود؛ چرا که میان بدن پوشیده شده و به سپر، مجن و مجنه‌ی گویند، زیرا صاحب خود را می‌پوشاند و به هر باغی که دارای درختان انبوهی باشد، جنت و جنات گویند، زیرا درخت‌ها روی زمین را می‌پوشانند و در اصطلاح طفلی را گویند که در بطن مادر است و بطن و رحم مادر او را می‌پوشاند و از دید پنهان می‌دارد و جمع آن اجنّه است: «و إذ أنتم أجنه فی بطون أمهاتکم» (سوره مبارکه نجم/ آیه ۳۳). بعد از خلق، مراحل جنین است که از نطفه به علقه و از آن به مضغه تا آخر مراحل حمل می‌رسد و مراد از ظلمات ثلاث، ظلمت شکم و رحم و تخمدان است؛ بنابراین، طفل در شکم مادر از سه جهت پوشانده شده است، لذا آن را جنین گویند و او مادامی که در رحم مادر است؛ جنین است و پس از تولد از سر و پوشش بیرون می‌آید و اطلاق جنین بر او درست نیست [۱۳].

ابن منظور می‌گوید: «فرزند تا هنگامی که در رحم مادر است، جنین نام دارد، چون در آنجا پوشیده و پوشانده شده است» [۵]. دهخدا «جنین» را یک کلمه «عربی» معرفی نموده و آن را این گونه معنا کرده است: «بچه که در شکم مادر باشد. بچه اندر شکم، مرده در گور. هر چیز پوشیده». عمید نیز در لغت‌نامه‌اش معنی لغت «جنین» را این گونه آورده است: «فرزند هر موجود مهره‌داری که در رحم یا تخم قرار دارد و پس از رسیدن به مرحله خاصی از تکوین از جای خود خارج می‌شود؛ رویان» [۶]. همان‌طور که ملاحظه شد، واژه جنین که بر وزن فعیل و صفت مشبیه است، به معنای «پوشیده شده» می‌باشد و نیز به بچه‌ای که در شکم مادر است، اطلاق می‌گردد، چون از نظرها پنهان می‌باشد [۷].

۳- سقط جنین در دیدگاه فقهی**۳-۱- روایات و برداشت فقها درباره سقط جنین**

با نگاهی گذرا به روایات ائمه معصومین (ع) و نحوه استنباط فقها، انسان را به این واقعیت می‌رساند که واژه سقط، در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی بکار گرفته شده، یعنی از سقط همان معنای سقط جنین اراده می‌شده است. به‌عنوان مثال، صاحب جواهر در بحث دیه، به روایتی اشاره می‌کند که از آن استفاده می‌شود که در زمان رسول خدا (ص) و بعد از آن، این واژه به معنای سقط جنین بکار می‌رفته و صاحب جواهر نیز معنایی جز این اراده نکرده است [۸]. «فی خبر سلیمان بن خالد، ان رجلا جاء الی النبی قد ضرب امرأه حبلی فاسقط سقطا میتا؛ مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید در حالی که زن حامله‌ای را مضراب کرده بود و در اثر آن، حمل خود را انداخته بود» [۱۰]. نمونه‌ای دیگر؛ صاحب «الفقه» در باب غسل میت روایتی را مورد استفاده قرار داده که در آن امام صادق (ع) از این واژه، سقط جنین را اراده کرده و مؤلف نیز غیر از آن را اراده نکرده است. «قال الصادق (ع) فی خبر زراره: السقط اذا تم له اربعة اشهر غسل؛ جنین سقط شده چنانچه چهارماه آن تمام شده باید غسل داده شود» [۹]. ملاحظه می‌شود در این روایت، از واژه سقط، معنای سقط جنین اراده شده است. روایت صحیحه ابو عبیده از حضرت امام باقر (ع) سؤال کرد: «زنی در حال آبستن است دوایی می‌آشامد که فرزندش را سقط کند حکمش چیست؟ حضرت فرمود: اگر استخوانی باشد که گوشت بر آن روییده و گوش و چشم برای او ایجاد شده

است باید دیده آن را به پدرش تسلیم کند و اگر علقه (خون بسته) یا مضغه (گوشت جویده شده) باشد باید چهل دینار یا برده‌ای را به پدرش تسلیم نماید گفتم آیا این زن از فرزندش ارث نمی‌برد؟ فرمود نه، زیرا او قاتل فرزندش است» [۱۱].

۳-۲- دیدگاه فقهی نسبت به سقط جنین در بارداری ناشی از تجاوز به عنف

از منظر فقهای امامیه که مخالف سقط جنین هستند، جنین موجود محترمی است و برای بذری که انسان از آن پدید می‌آید پیش از آنکه در رحم زن افکنده شود، عوض مالی (ارش) معین کرده است [۱۲] و سقط آن را به جز مواردی که به عنوان ثانوی، سقط آن را مجاز شناخته شده است، در هر مرحله‌ای که باشد، به استناد کتاب، سنت، عقل و اجماع حرام و نامشروع است.

از نظر فقهای امامیه، حیات جنین دو مرحله اساسی دارد:

۱- از ابتدای انعقاد نطفه، تا زمان دمیده شدن روح.

۲- از زمان دمیده شدن روح، تا زمان تولد.

در مرحله اول و قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین به دلیل اینکه دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست، قتل نفس محسوب نمی‌شود و در مرحله دوم؛ جنین، انسانی همانند سایر انسان هاست و قتل آن حرام است. از جمله دلایل آن آیه ۳۳ سوره اسراء است که می‌فرماید: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق». این آیه دلالت بر حرمت سقط جنین، بعد از ولوج روح دارد [۱۳].

۳-۲-۱- ادله حرام و نامشروع بودن سقط جنین

بعضی بر حرمت سقط جنین توسط والدین به آیاتی از قرآن استناد کرده‌اند که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- سوره اسراء، آیه ۳۱ می‌فرماید: "و فرزندان خود را به خاطر ترس از فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم. به یقین کشتن آنان گناه بزرگی است."

ب- سوره انعام، آیه ۱۵۱ می‌فرماید: "فرزندانتان را از فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم."

گرچه در مورد حرمت سقط جنین نمی‌توان از این آیات استفاده کرد؛ زیرا موضوع این آیات «حرمت قتل اولاد» است؛ نه سقط جنین و «قتل اولاد» هم غیر از سقط جنین است؛ زیرا اولاد که جمع «ولد» است از ماده ولادت می‌باشد. بنابراین به فرزند انسان مادامی که در رحم است، حقیقتاً ولد گفته نمی‌شود؛ زیرا هنوز ولادت و زایمان صورت نگرفته است؛ بنابراین بعد از ولادت و زایمان به آن ولد گفته می‌شود و سلب حیات او قتل است ولی سلب حیات از جنین تا زمانی که در رحم است، سقط، اسقاط و اجهاض است، نه قتل (به نقل از مرتضی جلی، سایت حوزه، مجله نامه مفید).

ممنوعیت و حرمت سقط جنین در بعضی احادیث آمده است.

الف- موثقه اسحاق بن عمار: «المرأه تخاف الحبل فتشرب الدواء فتقلی ما فی بطنها؟ قال: لا، فقلت، انما هو نطفه، فقال: ان اول ما یخلق نطفه» [۱۰].

اسحاق بن عمار می‌گوید: به ابوالحسن (ع) عرض کردم، زن از باردار شدن می‌ترسد و دارو می‌نوشد تا آنچه در شکم دارد، بیفتد. امام فرمود: این کار را نباید کرد. گفتم: نطفه‌ای بیش نیست. نخستین چیزی که آفریده می‌شود نطفه است. استدلال امام این است که چون نطفه منشأ خلقت انسان است، پس اسقاطش جایز نیست.

ب- صحیح ابو عبیده از ابو جعفر (ع): «فی امرأه شربت دواء و هی حامل لنطرح ولدها فالقت ولدها» فقال: «ان کان عظما قدنبت علیه اللحم...» قلت: فهی لاترث من ولدها من دیته؟ قال: لا، لانها قتلته. امام باقر(ع) درباره زن بارداری که دارویی می‌نوشد تا فرزند سقط شود و فرزند هم سقط می‌شود، می‌فرمود: اگر آنچه سقط شده، به مرحله‌ای رسیده باشد که دارای استخوان، گوش، چشم و گوش باشد، بر زن واجب است دیده او را به پدرش بپردازد. اگر به این مرحله نرسیده و علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار بپردازد یا عبد و کنیزی را به پدر او بدهد. راوی می‌گوید: پرسیدم: آیا فرزند از دیده فرزند خود ارث نمی‌برد؟ فرمود: خیر، چون زن، او را کشته و قاتل ارث نمی‌برد. این روایت، بر حرمت سقط جنین در مرحله علقه، تا قبل از دمیدن روح دلالت دارد [۱۰].

ج- مرسله شیخ مفید از امام امیرالمؤمنین(ع): «انه قال لعمر وقداتی بحامل قدزنت فأمر برجمها، فقال له...فاذا ولدت و وجدت لولهها من یکفله فاقم الحد علیهما» [۱۰].

زن باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. وی حکم به رجم آن زن داد. حضرت علی‌علیه‌السلام به عمر فرمود: اگر به واسطه زناکار بودن زن، بر او سلطه داری، چه اختیاری نسبت به فرزند داخل رحم او داری؟ خداوند می‌فرماید: هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. عمر گفت: در معضلی که پیش آمد و ابوالحسن آنجا حاضر نباشد، زنده نباشم و ادامه داد: ای ابوالحسن با او چه کنیم؟ امام فرمود: از او نگه‌داری کن تا زایمان کند و زمانی که فرزند را به دنیا آورد و کسی برای سرپرستی طفل پیدا شد، حد را بر او جاری کن. از این روایت استنباط می‌شود که حفظ جنین، امری لازم و واجب و سقط آن، حرام و نامشروع است [۱۴].

د- روایات متواتر یا قریب به تواتر، دلالت بر وجوب دیه برای سقط جنین می‌کنند. در این خصوص کلینی به سند از عبدالله بن از امام صادق (ع) نقل کرده است که چنین فرموده است: «و اذا تحت الجنین كانت له مائه دينار، فاذا أنشئ فيه الف دينار او عشرة آلاف درهم ان كان ذكراً و ان كان انثى فخمسائه دينار، ... و ديه الولد نصف ديه الذكر، ونصف ديه الذكر و نصف ديه الانثى وديتها كامله» ديه جنین تام الخلقه که روح در او دمیده نشده باشد، یکصد دینار است ... دلیل ما اجماع فقهای امامیه و اخبار و روایات است [۱۰]. وجوب پرداخت دیه، به دلالت التزامی بر حرمت سقط جنین، حکم می‌کند؛ زیرا دیه، جبران کننده خسارت حاصل از جنایت است و سقط عمدی، بدون اذن شارع، قطعاً حرام است [۹]. به عبارت دیگر با توجه به اینکه در وجوب دیه، این است که به سبب جنایت باشد و جنایت عمدی نیز قطعاً حرام است پس اسقاط عمدی جنین در هر یک از مراحل رشد، حرام خواهد بود [۹].

۳-۳- رویکرد فقهی به ثبوت قصاص در جنایت بر جنین

با تتبع در آرای فقهای امامیه در خصوص امکان قصاص در جنایت علیه وجود جنینی، می‌توان اقوال طرح شده را در قالب سه نظریه تفکیک نمود:

الف. نظریه ثبوت قصاص: برخی از فقها جنایت بر جنین را مثبت قصاص جانی دانسته‌اند؛ در بین قدما سالار دیلمی در کتاب مراسم صریحاً قصاص را در از بین بردن جنین ثابت و بیان می‌دارد «اگر جنین یک زن باردار کشته شود باید بین دو حالت قائل به تفصیل شد: اگر جنین تام و کامل باشد، مرتکب قصاص می‌شود، و در غیر این صورت دیه بر وی ثابت خواهد شد» [۱۵]. به رغم اینکه این نظریه در بین سایر متقدمین - و حتی متأخران - صریحاً مورد افتاء قرار نگرفته است. هر چند برخی ثبوت قصاص را محتمل دانسته‌اند. اما برخی از معاصرین بدان قائل شده‌اند. مهمترین مستند قول مذکور عموماً نصوص مانند «أن النفس بالنفس» است، که با توجه به اطلاق عنوان نفس بر جنینی که روح در وی دمیده شده، خصوصاً تصریحی که در برخی روایات بر این نکته وجود دارد، این دیدگاه مدل گشته است. مضافاً بر اینکه بر صدق عنوان قتل عمد و عدوانی بر چنین اقدامی تردید وجود ندارد [۱۶].

ب. نظریه عدم ثبوت قصاص: در مقابل بسیاری دیگر از فقها اسقاط جنین را موجب قصاص ندانسته و حکم به دیه داده‌اند. در بین قدما، برخی [۱۷] به شکلی نه چندان صریح و عده‌ای [۱۸]، صریحاً این موضع را پذیرفته‌اند و بسیاری نیز در آثار خویش در بحث از سقط جنین بدون اشاره به حکم قصاص، بر ثبوت دیه نظر داده که این امر چه بسا سبب القاء این شبهه در ذهن شود که به واسطه حکم به دیه نظر بر انتفای قصاص داشته‌اند. با این وجود اغلب معاصرین بدین موضع تمایل یافته‌اند. قائلین نظریه اخیر، به اعتبار شیوهی استدلال بر دو دسته‌اند: عده‌ای با استناد به صحیحه ابي بصیر که حسب آن حضرت امام محمدباقر (علیه‌السلام) در خصوص کشتن مجنون حکم به عدم جواز قصاص فرموده و در ادامه افزوده‌اند «فلا قود لمن لا يقاد منه» [۱۰]؛ با تعمیم فراز اخیر روایت، کشتن سایر افرادی که ارتکاب جنایت از سوی آنها مستوجب قصاص نخواهد بود، نظیر جنین و نابالغ را نیز غیر قابل قصاص دانسته‌اند [۱۹]. دسته‌ی دوم، ضمن آنکه استفاده تعمیم حکم عدم قصاص موضوع روایت از مورد جنایت بر مجنون به سایر موارد مانند نابالغ را نمی‌پذیرند، لیکن در خصوص جنایت بر جنین، گذشته از اصل اولیه که مقتضی عدم جواز قصاص بوده، به استناد برخی روایات صحیح‌السند که در آنها حکم به ثبوت قصاص در موارد اسقاط عمدی جنین تصریح نشده، قصاص را منتفی دانسته‌اند [۲۰].

ج. نظریه تفصیلی: محقق حلی در شرایع الإسلام برای نخستین بار در موضوع ثبوت قصاص در جنایت عمدی بر جنین بین دو مرحله تفکیک نموده‌اند؛ از نظر ایشان مرحله ارتکاب فعل مدخلیتی در حکم نداشته، بلکه مهم زمان حدوث نتیجه است، که اگر نتیجه مجرمانه پس از تولد تحقق یابد، قصاص ثابت است، حتی اگر رفتار موجب آسیب در دوران جنینی واقع شده باشد، اما اگر نتیجه قبل از تولد و در همان دوره جنینی رخ داده باشد دیه ثابت می‌شود. ایشان در این راستا فرموده‌اند «اگر کسی به زن بارداری ضربی وارد نماید و در اثر آن زن جنینش را بیندازد و در اثنای افتادن بمیرد، ضارب قاتل بوده و در صورت داشتن عمد، قصاص می‌شود ... و همچنین است اگر جنین سقط شده با وضعیت آسیب دیدگی باقی مانده و بعداً بمیرد، یا با حالت بدون نقص در شرایطی متولد شود که وی نتواند زندگی نمایند». این نظر بعداً مورد پذیرش بسیاری دیگر از فقها قرار گرفت [۲۱]. ظاهراً مبنای این نظریه را باید در عدم پذیرش مخصص برای عموماً ادله قصاص از یک سو و تردید در صدق قتل نفس بر سلب حیات از وجود جنینی، از سوی دیگر دانست، لذا با اخذ یک قدر متقین که موافق احتیاط نیز باشد، تلاش شده احراز سلب حیات یا وجود صدمه در یک فرد تولد یافته را برای تعیین حکم قصاص کافی بدانند، و رای آنکه اصل ارتکاب فعل در چه مرحله‌ای رخ داده باشد.

۴- رویکرد فقهی سقط جنین از دیدگاه امام خمینی (ره)**۴-۱- مبانی اخلاقی سقط جنین از دیدگاه امام خمینی**

امام خمینی در خصوص مبانی اخلاقی سقط جنین بیان می‌دارد که نکته‌ای را که باید همواره به آن توجه داشت این است که عموماً در بحث‌های مربوط به سقط جنین جهات اخلاقی و انسانی امر تنها متوجه جنین است و مادر فراموش می‌شود. بسیاری از دین‌باوران اعتقاد بر این دارند که «حیات» در لحظه انعقاد نطفه وجود دارد و لذا اخلاقاً از بین بردن موجود زنده‌ای که حیاتش یک موهبت است، نمی‌تواند درست باشد. اما گروهی دیگر، بر این نظرند که جنین تا وقتی که قادر به ادامه حیات در محیط خارج از رحم نباشد نمی‌تواند بر آن موجود زنده انسانی اطلاق کرد و از این رو سقط آن واجد قبح اخلاقی نیست. عده زیاد دیگری از عالمان اخلاق بر اساس اندیشه‌های مصلحت‌گرایانه و فایده‌جویانه برآنند که به لحاظ اخلاقی آن چیزی در این موضوع می‌تواند «درست» و اخلاقی شمرده شود که به مصلحت‌اندیشی سقط جنین درست باشد و یا بالعکس [۲۲]. بر این اساس امام خمینی معتقد است که از همین مبانی گوناگون اخلاقی است که مسأله سقط جنین به یک مسأله حساس و پرمناقشه تبدیل شده و منشأ اصلی قانونگذاری‌های متفاوت بوده است. در ستون تاریخی دیده‌شده که در بعضی موارد مجازات شدیدی برای این جرم در نظر گرفته شده است. مثلاً در شهر میله، زنی که از وارث شوهرش پول گرفته و طفل خود را سقط کرده بود، محکوم به اعدام شد. ویسٹرون می‌نویسد که این مجازات ظلم نبوده است زیرا این زن امید پدری را قطع نموده و وارث خانواده را کشته، یادگار اسمی را از بین برده و پایه نژادی را ضایع کرده است [۲۳]. در کتاب اوستا نیز می‌خوانیم: «من به هیچ زنی اجازه به کار بردن وسایل سقط جنین را نمی‌دهم» [۲۴].

در این زمینه می‌توان مثال‌های خارجی زد. برخی کشورها همچون چین و سوئد در مواردی مانند: نجات زن و حفظ سلامت جسمی مادر، تجاوز به عفت و یا زنا با محارم، نقایص جنینی، دلایل اقتصادی و بنا به درخواست فرد [۲۵]، اجازه سقط جنین را داده‌اند و برخی نیز در مواردی محدودتر، مسأله بحران جمعیت و وضعیت نابسامان اقتصادی خانواده‌ها را در پذیرش عضو جدید با محدودیت روبه‌رو ساخته است. همچنین گسترش فرهنگ خانواده محدود و کم جمعیت سبب شده که خانواده‌ها در موارد بارداری ناخواسته به سقط جنین به عنوان عاملی در جهت رسیدن به اهداف خود نظر داشته باشند. قانون نیز به دلیل حمایت از جنین به عنوان یک انسان یا حداقل منشأ انسان، این عمل را تحت عنوان یک جرم مطرح نموده و برای آن مجازات تعیین کرده است. با توجه به اینکه این جرم بیش از سایر جرایم در خفا و پنهانی انجام می‌گیرد و کشف آن بندرت اتفاق می‌افتد و در نتیجه کمتر به مراجع قضایی کشیده می‌شود باید گفت از طریق مجازات نمی‌توان در جهت جلوگیری یا کاهش این جرم اقدام مؤثری انجام داد زیرا این عمل اکثراً در کشور ما با رضایت اولیای قانونی جنین، توسط پزشک یا افراد دیگری به طور کاملاً مخفیانه صورت می‌پذیرد و بندرت کشف می‌شود.

پس بهترین و مؤثرترین راه این است که دولت با گسترش وسایل و امکانات جلوگیری از بارداری در همه نقاط کشور به مقابله با این جرم بپردازد؛ چه در این صورت است که می‌تواند تا حدود زیادی از وقوع جرم پیشگیری کرده و به اهداف خود نایل شود. موضوع سقط جنین در همه کشورها به دلایل و گاه با انگیزه‌های مشابه یا مجاز شمرده شده یا ممنوع اعلام گردیده است.

در دیدگاه امام خمینی در خصوص سقط جنین در ایران بیان می‌شود که ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر، سقط جنین در سطوح قابل توجهی در جریان است. غیرقانونی بودن سقط جنین این مسأله را به موضوعی پنهانی و سری تبدیل کرده است. هرچند محدودیت‌های ایجاد شده در مورد مرتکبین و مرتبطين با عمل سقط جنین در نظامهای حقوقی از نظر درجه شدت و ضعف آن با یکدیگر متفاوت است. لکن امروزه اغلب کشورهای جهان بنا به عللی و با توجه به اینکه این عمل که در حکم مقابله با نظام حاکم بر اجتماع است، آن را جرم شناخته و هر یک تحت شرایط به خصوصی برای آن مجازات قائل می‌شوند [۲۲].

۴-۲- سقط جنین از نظر امام خمینی

امام خمینی با توجه به متون فقهی حقوقی اسلام، با استفاده از آیات قرآنی و روایات با تقسیم دوران جنینی به دوره قبل از دمیدن روح و دوره پس از دمیدن روح نظریات فقهی مختلفی ارائه می‌دهد. آنچه که نظر سیدنا الاستاد امام خمینی (س) [۲۶] و قدر مشترک فقهای اسلامی است، اجماعاً در کتابهای خلاف، الغنیه، مبسوط، الانتصار، السرائر کتاب التحریر، المسالک، مجمع البرهان، الروضه و المختلف آمده است و آن مجازات‌های سقط دوران قبل از دمیدن روح است که دیه مقرر در شرع اسلامی برای آن وجود دارد [۲۲]. مراحل گوناگون تشکیل و تکامل جنین و مجازات سقط آن از دیدگاه امام خمینی با وجود اختلاف نظرهای جزئی بین فقها به شرح زیر است:

- نطفه: دوره ورود و استقرار نطفه در رحم که مدت تقریبی آن ۲۰ روز است و دیه آن ۲۰ دینار تعیین شده است.
- علقه (تکه خون بسته شده): در این دوره جنین به خون جامد و غلیظ تبدیل می‌شود و تا حدود ۴ هفته از عمرش می‌گذرد، دیه آن ۴۰ دینار است.

➤ مضغه (گوشت قرمز): در این مرحله جنین به صورت گوشت درآمدۀ است و تا حدود ۸ هفته از عمر جنین می‌گذرد و دیۀ آن ۶۰ دینار است.

➤ عظام (استخوانهای گره مانند به شکل غضروف): در این مرحله سن جنین تا حدود ۱۲ هفته و دیه‌اش ۸۰ دینار است.

➤ جنین به صورت گوشت و استخوان‌بندی تمام شده ولی هنوز روح در آن دمیده نشده و تا حدود ۱۶ هفته به بالا عمر کرده است، دیه‌اش ۱۰۰ دینار است [۲۷].

نکته جالب این است که در متون فقهی با توجه به رویکرد امام خمینی وقتی از جنایت علیه جنین سخن گفته می‌شود به طوری که دیه یاد می‌شود؛ ولی امام خمینی به اینکه پس از ولوج روح در صورت عمد بودن سقط آیا قصاص ثابت است یا نه غالباً سکوت کرده‌اند. البته برخی نیز صراحتاً حکم جنایت بر جنین پس از ولوج روح را همچون جنایت بر انسان کبیر از جهت عمد یا خطا یا شبیه عمد دانسته‌اند و عده‌ای نیز گفته‌اند برای شخص صغیر در مقابل فعالیت کبیر قصاص ثابت نیست [۲۸].

از زمانی که روح دمیده می‌شود چون تشخیص دختر یا پسر بودن جنین نیز ممکن می‌شود، دیۀ دختر نصف خواهد بود اما در مراحل قبل از آن یکسان. در این زمینه امام خمینی با توجه به مستندات فقهی دیۀ اعضای جنین و مجروح کردن آن نیز به نسبت دیۀ خود جنین در وضعیتهای مذکور تعیین می‌شود. مجازات سقط جنین دو قلو یا بیشتر یا به همان تعداد تکرار می‌شود. در صورت ولوج روح و در صورت عمدی بودن جنایت علاوه بر دیۀ کامل، کفاره نیز واجب است. فقهای شیعه مانند امام خمینی نیز این عمل را به جز در موارد اضطرار و استثنایی، حرام می‌دانند. قاطبه فقهای اسلام، سقط جنین را در هر مرحله از تکون، در صورتیکه دلیل موجهی برای آن وجود نداشته باشد، حرام و غیر شرعی می‌دانند. اگر ادامه بارداری و قرار داشتن جنین در رحم با سلامتی و یا جان مادر منافاتی پیدا کرده و تشخیص آن از نظر علم پزشکی محرز شود، بر اساس نظر اکثر فقها قبل از چهار ماهگی، سقط جنین جایز است. سقط در مرحله قبل از دمیده شدن روح و زمانی که هنوز جنین به عنوان یک انسان و یا شخص تلقی نمی‌گردد، قتل نفس شمرده نشده و اجازه سقط جنین در این گونه موارد به معنای اجازه قتل نفس نیست. سلامتی و یا حفظ جان مادر در زمان قبل از چهار ماهگی، مهمتر از حفظ حیات جنین است. برای جلوگیری از یک ضرر بزرگتر که ممکن است جان مادر را مورد تهدید قرار دهد، می‌توان جنین را ساقط نمود. اگر در تشخیص پزشکی محرز شود که جنین به شکل خاصی ناقص الخلقه است و ادامه وجود آن در رحم مادر و تولد و نشو و نما، در آینده باعث عسر و حرج برای والدین و یا خانواده او خواهد شد. در این گونه موارد نیز، علی القاعده سقط جنین قبل از دمیده شدن روح جایز است. سقط جنین هر چند حرام است، اما مانند هر امر حرامی در صورت عسر و حرج شدید، جایز می‌گردد و براساس قاعده نفي عسر و حرج، حرمت سقط منتفی است.

جواز سقط جنین در این گونه موارد، با فتاوی برخی از فقها مانند امام خمینی همخوانی ندارد. قاعده تقدم، عقلی و شرعی است. اساس این قاعده اهم بر مهم است. تقیه در قتل نفس جایز نیست. با قاعده نفي عسر و حرج، حکم حرمت سقط برداشته میشود. قاعده نفي عسر و حرج، بر همه احکام از جمله تقیه حکومت دارد. در خصوص تراحم جنین، حق با حفظ حیات و جان مادر است. فقها براساس همین آیات ذکر شده، قاعده «نفي عسر و حرج» را استنباط کرده‌اند. تبیین آن به این صورت است که احکام شرع در صورتی که باعث عسر و حرج برای مکلف شوند، انجام آن منتفی خواهد بود. در اینجا چون حکم حرمت سقط جنین در آینده باعث عسر و حرج برای والدین و خانواده می‌گردد، لذا براساس قاعده نفي عسر و حرج، حرمت سقط منتفی است. البته ممکن است این ایراد وارد باشد که در اینجا محلی برای تمسک به قاعده «نفي عسر و حرج» نیست، زیرا وجود فرزند تا موقعی که در رحم مادر قرار دارد، باعث عسر و حرج نمی‌شود که مجوزی برای سقط گردد. به همین خاطر، عسر و حرج پس از تولد نمی‌تواند مجوز سقط در دوران جنینی باشد. پاسخ به این اشکال بدین صورت است که با توجه به مفاد آیات ذکر شده، خداوند متعال حکمی که باعث عسر و حرج شود را وضع نکرده است. حال این عسر و حرج می‌خواهد بالفعل اتفاق بیفتد و یا اینکه در آینده تحقق پیدا کند. حتی حکمی که در آینده منجر به عسر و حرج خواهد بود، باز منتفی اعلام شده است. البته جواز سقط جنین در این گونه موارد، با فتاوی برخی از فقهای معاصر مطابقت ندارد [۲۹].

۵- نتیجه‌گیری

شکی نیست که اسقاط جنین در همه مراحل رشد و تکامل از بدو انعقاد نطفه تا ولادت از محرمات قطعی شرع مقدس اسلام است و این مطلب از ادله چهارگانه: قرآن، روایات، عقل و اجماع به وضوح استنباط می‌شود. امام خمینی با استناد به آیه شریفه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ و نفسی را که حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید.» بیان می‌دارد که این آیه به حرمت قتل نفس پس از اتمام خلقت و ولوج روح دلالت دارد. از دیدگاه امام خمینی و فقهای اسلامی سقط جنین حاصل از رابطی مشروع و نامشروع را یکسان می‌پندارد و مردم را از انجام آن منع می‌کند. همچنین سقط جنین همواره نزد صاحب نظران حقوق جزا به عنوان یکی از موضوع های اساسی حقوق کیفری مطرح بوده است. سقط جنین یک از راه های جلوگیری از تولد ناخواسته کودکان، که از جانب والدین آنها صورت می‌گیرد. سقط جنین در جوامع مختلف شرایط خاص و ویژه خود را دارد همان‌طور که در قانون کشور ما که مطابق شرع اسلام می باشد سقط جنین جرم انگاری شده و برای انجام آن نیز مجازاتی را نیز در نظر گرفته اما به مرور زمان سقط جنین درمانی را تحت شرایط قانونی پذیرفته است که البته داری کاستی هایی می باشد.

علمای اسلام مانند امام خمینی فتوا بر حرمت سقط جنین داده اند و علاوه بر این احتیاط در دماء نیز اقتضاء می کند که به عنوان حکم اولیه سقط جنین دارای اشکال و حرام باشد فقهای امامیه نیز به اجماع دیه را برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر غیر واجب و لازم می دانند. مرحوم شیخ طوسی چنین فرموده: دیه جنین تام الخلقه که روح در آن دمیده نشده باشد یک صد دینار است. دلیل ما اجماع فقهای امامیه و اخبار و روایات است. در دیدگاه امام خمینی این که در تمام موارد سقط جنین اضطراری، اقدام کننده به سقط جنین ضامن پرداخت دیه است، زیرا این موارد شبیه خوردن مال مردم در شرایط اضطراری است، یعنی همان‌طور که در شرایط اضطراری اگر کسی مال دیگری را بخورد، فعل حرام مرتکب نشده، ولی ضامن پرداخت قیمت آن مال است. در سقط جنین اضطراری نیز هرچند اقدام کننده به این عمل فعل حرام مرتکب نشده، لکن ضامن پرداخت دیه است، چون حکم تکلیفی مانع از جریان حکم وضعی نمی‌باشد. به عبارت دیگر سقط جنین یک حکم تکلیفی است که در شرایط اضطراری، شارع اقدام به آن را اجازه داده است و وجوب دیه یک حکم وضعی است که به قوت خود باقی است. در دیدگاه امام خمینی بر اساس قاعده «لا حرج» مادر می‌تواند نسبت به سقط جنین خود در این مرتبه اقدام نماید. خداوند متعال می‌فرماید: «... وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...؛ و در دین بر شما سختی قرار نداده است.» توضیح این که: نگهداری این جنین برای مادر موجب عسر و حرج است، چون به واسطه وجود او تهدید می‌شود و خداوند متعال حکم حرجی را نفی کرده است. در نتیجه مادر برای رهایی از عسر و حرج می‌تواند نسبت به سقط جنین اقدام نماید.

منابع و مراجع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، ابوالحسن. معجم المقیائیس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، جلد سوم، ۱۴۰۴ ق.
۲. معلوف، لوپس. (۱۹۹۲م). المنجد فی اللغه. بیروت: منشورات دارالمشرق، چاپ سی و سوم، ۱۹۹۲م.
۳. علی اکبری بابوکانی، احسان. علی اکبری بابوکانی، محسن. شاکری، محسن. "پژوهش فقهی حقوقی پیرامون احکام اسقاط جنین در فقه امامیه، عامه و حقوق ایران، بلاغ مبین". شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۹۰.
۴. خویی، ابوالقاسم. مبانی تکمله المنهاج، قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲.
۵. استیون لوپر. سقط جنین، اطلاعات حکمت و معرفت، ترجمه میترا سرحدی، شماره ۹، ۱۳۹۲.
۶. عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.
۷. اسماعیلی، حسین. "بررسی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین"، فقه پزشکی، شماره ۲۲ و ۲۳، ۱۳۹۴.
۸. عارفی، علی. سقط جنین و تراکم جمعیت قم: انتشارات بضعة الرسول، ۱۳۸۵.
۹. شیرازی، مکارم. القواعد الفقهیه. قم: مدرسه الامام امیرالمومنین، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۶.
۱۰. حرعاملی، محمدبن الحسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، طهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱.
۱۱. حرعاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. قم: انتشارات آل البيت، سی جلدی، جلد نوزدهم، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. ادريس، احمد. عوض، ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۷.
۱۳. موسوی خویی، الله. مصباح الاصول. قم: کتابفروشی داوری، دو جلدی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۱۴. خرازی، سید محسن (بی تا). تحدید النسل و التعقیم (۲)، فقه اهل البيت، شماره ۱۵.
۱۵. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. المراسم العلویه و الأحکام النبویه فی الفقه الإمامی، ج اول، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. اردبیلی (مقدس)، مولی احمد. مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشادالاذهان، ج ۱۳-۱۴، ج اول، قم: مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. طوسی (شیخ)، محمدبن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۷، ج سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۱۸. حلبی، ابوالصلاح تقی الدین. الکافی فی الفقه، ج اول، اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. منتظری، حسین علی. احکام پزشکی، ج سوم، قم: نشر سایه، ۱۴۲۷ ق.
۲۰. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. مجمع المسائل، ج ۳، ج دوم، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۲۸ ق.
۲۱. عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی. غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد ج ۴، ج اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. "بررسی فقهی و حقوقی سقط جنین با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی(س)، پژوهشنامه متین". شماره ۲۹ و ۲۹، ۱۳۸۴.
۲۳. حکمت، سعید. پزشکی قانونی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ دوم، ۱۳۶۶.
۲۴. آخوندی، محمود. تقریرات حقوق جزای اختصاصی. دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۴-۱۳۷۳.
۲۵. خبرگزاری ایسنا ۱۱/۱۰/۱۳۸۱.
۲۶. خمینی، روح الله. تحریر الوسیله، تهران: دارالعلم، ۱۳۶۶.
۲۷. پژوهشکده شورای نگهبان. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو و نظرات شورای نگهبان (تهیه و تنظیم: فهیم مصطفی زاده). ج اول. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۲.
۲۸. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم. فقه الديات، قم: دارالعلم مفید، ۱۴۱۶.
۲۹. نیکزاد، عباس. جورسرای، غلامعلی. "بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی، اسلام و سلامت"، شماره ۱، ۱۳۹۳.